

The Strategic Position of Astrakhan in the Commercial Relations between Iran and Russia during the Safavid Era

*Hossein Alinezhad*¹

*Aisan Nasiri Ghazani*²

Astrakhan (Astarakhan / Hashtar Khan / Haji Tarkhan), as a vital gateway at the mouth of the Volga River and along the shores of the Caspian Sea, played a pivotal role in the transformation of commercial and political relations between Iran and Russia during the Safavid period. Adopting a descriptive-analytical approach and drawing upon library-based sources, the present study examines the strategic position of this city within the Caspian commercial network and its role in reshaping the north-south trade routes. The findings indicate that the Russian conquest of Astrakhan in 1556 CE and the opening of the Volga-Caspian route reduced the Safavids' dependence on the passageways under Ottoman control and strengthened the commercial axis between Iran, Russia, and Europe. By becoming a permanent base for Iranian merchants, hosting the construction of dedicated caravanserais, and benefiting from the diplomatic support of both states, the city was transformed into the principal hub for the exchange of silk, valuable textiles, and other commodities. The results of the present research demonstrate that Astrakhan was not only the driving force behind economic development and the deepening of Iran-Russia relations, but also evolved into a successful model of a multicultural and commercial city in the Caspian region.

▪ **Keywords:**

Iran, Safavids, Russia, Astrakhan, Commercial Relations.

¹. PhD Candidate in History of Post-Islamic Iran, Department of History, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran (corresponding author). HosseinAlinezhad@tabrizu.ac.ir.

². PhD Graduate in History of Post-Islamic Iran, Department of History, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. aisannasiri@tabrizu.ac.ir



جایگاه راهبردی آستراخان در مناسبات تجاری ایران و روسیه عصر صفوی

حسین علی‌نژاد^۱

آیسان نصیری غازانی^۲

چکیده

آستراخان (آستاراخان/ هشتراخان/ حاجی ترخان) به عنوان دروازه‌ای حیاتی در مصب رود ولگا و سواحل دریای خزر، نقشی کلیدی در تحول مناسبات تجاری و سیاسی ایران و روسیه در دوره صفوی ایفاء کرد. این پژوهش با رویکرد توصیفی- تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، جایگاه راهبردی این شهر را در شبکه تجاری منطقه خزر و نقش آن در تغییر مسیرهای تجاری شمال- جنوب مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تصرف آستراخان توسط روسیه در سال ۱۵۵۶م. و گشایش مسیر ولگا- خزر زمینه‌ساز کاهش وابستگی صفویان به گذرگاه‌های تحت سلطه عثمانی و تقویت محور تجاری ایران با روسیه و اروپا شد. این شهر با تبدیل شدن به پایگاه دائمی بازرگانان ایرانی، احداث کاروانسراهای اختصاصی و بهره‌مندی از حمایت‌های دیپلماتیک دو دولت به کانون اصلی مبادله ابریشم، پارچه‌های گرانبها و دیگر کالاها مبدل گردید. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آستراخان نه تنها موتور محرک توسعه اقتصادی و تعمیق روابط ایران و روسیه بود، بلکه به الگویی موفق از یک شهر چندفرهنگی و تجاری در منطقه خزر تبدیل شد.

واژگان کلیدی:

ایران، صفویه، روسیه، آستراخان، مناسبات تجاری

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۰۷

^۱. دانشجوی دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز- ایران (نویسنده مسئول) HosseinAlinezhad@tabrizu.ac.ir

^۲. دانش‌آموخته دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز- ایران aisannasiri@tabrizu.ac.ir



مقدمه

حوضه دریای خزر از دیرباز به عنوان یکی از کانون‌های راهبردی تبادلات تجاری و فرهنگی، نقشی محوری در پیوند میان تمدن‌های شرق و غرب ایفاء کرده است. در این میان، شهر آستراخان (آستاراخان/ هشتراخان/ حاجی ترخان)^۱ به دلیل قرارگیری در مصب رود ولگا و مجاورت با سواحل شمالی خزر به عنوان حلقه اتصال میان حوزه‌های تمدنی ایران، روسیه و آسیای مرکزی جایگاهی بی‌بدیل در شبکه تجاری منطقه داشته است. دوره صفویه در ایران، هم‌زمان با توسعه نفوذ روسیه به سمت جنوب و دستیابی به سواحل خزر فصل نوینی در مناسبات دو کشور گشود. تصرف آستراخان توسط روسیه در سال ۱۵۵۶م. و گشایش مسیر تجاری ولگا- خزر، نه تنها وابستگی تجاری ایران را به گذرگاه‌های تحت سلطه عثمانی کاهش داد، بلکه محور جدیدی برای مبادلات میان ایران، روسیه و اروپا پدید آورد.

با وجود اهمیت راهبردی آستراخان در تحول ساختار تجاری منطقه خزر و تأثیر آن بر روابط ایران و روسیه، بررسی‌های نظام‌مند در این حوزه به‌ویژه در منابع فارسی اندک است. اغلب پژوهش‌های موجود یا به‌طور کلی به مناسبات سیاسی و اقتصادی دو کشور پرداخته‌اند یا با تمرکز بر مراکز تجاری دیگر چون گیلان، شروان و اران از تحلیل جایگاه خاص آستراخان غفلت کرده‌اند. از این رو، پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسناد تاریخی در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که آستراخان چگونه به حلقه اتصال تجاری ایران و روسیه در عصر صفوی تبدیل شد و این تحول چه تأثیری بر ساختار اقتصادی و دیپلماتیک دو کشور برجای گذاشت؟ فرضیه پژوهش بر این مبناست که موقعیت جغرافیایی ممتاز آستراخان همراه با سیاست‌های تجاری حمایتی دولت‌های صفوی و روسیه، این شهر را به کانونی چندفرهنگی و تجاری مبدل ساخت که نه تنها موتور محرک توسعه اقتصادی و تعمیق روابط دو جانبه بود، بلکه مسیرهای سنتی تجاری را دگرگون کرد و الگویی موفق از یک شهر- بندر مرزی در نظام تجاری بین امپراتوری‌ها به دست داد. بدین ترتیب، این پژوهش می‌کوشد تا با پر کردن خلأ نسبی مطالعات نظام‌مند در این حوزه، درکی عمیق‌تر از کارکرد شهرهای بین‌المللی در شبکه‌های تجاری گذشته و پویایی تعاملات منطقه‌ای در بستر تاریخی فراهم آورد.

پیشینه پژوهش

^۱. Astrakhan (Astarakhan/ HashtarKhan/ HajiTarkhan).

در پژوهش حاضر، نقش آستراخان به عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های تجاری و ارتباطی میان ایران و روسیه در دوره صفوی مورد بررسی قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود تا جایگاه این منطقه در نظام تجاری دریای خزر واکاوی شود. در زمینه پیشینه پژوهش باید بیان کرد که بیشتر منابع به شکل کلی به روابط تجاری و مناسبات ایران و روسیه در دوره صفوی پرداخته و هیچکدام به طور مستقیم به نقش آستراخان و جایگاه آن در نظام تجاری منطقه خزر در این دوره نپرداخته‌اند. برای مثال، علیرضا کریمی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «روابط ایران و روسیه در دوره صفویه طی سال‌های ۱۰۸۰-۱۱۰۰ ق.» صرفاً به بررسی کلی مناسبات سیاسی و اقتصادی دو کشور پرداخته است. محمدعلی رنجبر و همکارانش (۱۳۹۱) در تحقیق «روابط تجاری ایران و روسیه در دوره دوم حکومت صفویه» نیز به شکل کلی روابط تجاری دو کشور و نقش ارامنه در آن را بررسی کرده‌اند. محمد شورمیچ (۱۳۹۷) در پژوهش «نقش گیلان در روابط خارجی ایران و روسیه در نیمه نخست حکومت صفویه» صرفاً با محوریت شهر گیلان به مناسبات تجاری پرداخته است. جواد مرشدلو (۱۳۹۹) نیز در مقاله‌ای با عنوان «مناسبات تجاری ایران و شمال قفقاز در دوره صفویان» تنها به‌طور گذرا به تصرف شهر آستراخان توسط روس‌ها و اهمیت راهبردی آن اشاره کرده است. الهه ابراهیمی و عبدالله همتی (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «مراکز تجاری جنوب و غرب دریای خزر از دوره ایلخانی تا عصر صفوی» مراکز تجاری مانند گرگان، مازندران، گیلان، آذربایجان، شروان و اران را بررسی کرده‌اند، اما از تحلیل ناحیه آستراخان غافل مانده‌اند. همچنین منصور صفت‌گل و سید مهدی حسینی تقی‌آباد (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان: «از تلاش برای ائتلاف تا تیرگی مناسبات: تحول روابط ایران و روسیه در سده هفدهم»، روابط ایران و روسیه در این سده را بررسی کرده‌اند، با این حال، تنها در چند گزارش مختصر به موقعیت راهبردی و تجاری آستراخان پرداخته‌اند. بنا بر این، با توجه به خلأ نسبی مطالعات نظام‌مند در این حوزه خصوصاً در زبان فارسی، پژوهش حاضر می‌تواند گامی در جهت شناخت بیشتر نقش آستراخان به‌عنوان پلی اقتصادی- فرهنگی میان ایران و روسیه و نیز درک پویایی تجاری منطقه خزر در عصر صفوی قلمداد شود.

وجه تسمیه آستراخان

بررسی منابع تاریخی و جغرافیایی کهن، تحولات نام شهر آستراخان را در بستر تاریخ روشن می‌سازد. صورت‌های مختلفی از قبیل "آستراخان"، "هشترخان" و "حاجی ترخان" در متون دیده می‌شود که هر یک در شناخت ریشه‌های این نام حائز اهمیت است. برای بررسی

نام شهر، درک معنای عنوان "ترخان" ضروری می‌نماید. این کلمه واژه‌ای اصیل در سنت حکومتی اقوام استپ‌نشین به‌ویژه ترکان و مغولان است که به فرماندهان نظامی بلندپایه یا افراد دارای امتیازات ویژه اطلاق می‌شده است. ابن فضلان در سده چهارم هجری قمری این عنوان را مرتبط با ترکان دانسته است (ابن فضلان، ۱۳۵۵: ۷۷). این امتیاز غالباً شامل معافیت از پرداخت مالیات و عوارض بود، ویژگی‌ای که ابن بطوطه در سده هشتم هجری نیز در توصیف "ترخان" به آن اشاره کرده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۱۵/۱)؛ همچنین افسانه‌ها و روایات شفاهی در باره نام شهر وجود دارد. این روایات گرچه از اعتبار تاریخی کامل برخوردار نیستند، اما بیانگر تلاش برای تفسیر خاستگاه نام شهر در سنت محلی هستند که به شرح ذیل به آنها اشاره خواهد شد.

۱- روایت ابن بطوطه (حاجی ترخان): بر اساس روایت مشهور ابن بطوطه، نام شهر از یک ترک پارسا به نام "حاجی" گرفته شده است. سلطان این مکان را بدون عوارض به صورت "ترخان" (معاف از مالیات) به وی بخشید. این مکان ابتدا به روستائی تبدیل شد، سپس بزرگ گردید و به شهری بدل گشت.

۲- روایت ایوان واسیلیویچ راوینسکی^۱ (آشی - ترخان): وی به نقل از علمای محلی روایت دیگری ثبت کرده است. بر این اساس، نام شهر از "آشی" گرفته شده است. شخصی به نام آشی از سوی حاکم خود آزاد شد و "آشی ترخان" نام گرفت. او همراه پیروان خود به کنار رود ولگا رفت و در کناره راست آن استحکاماتی ساخت و نام آن را آشی ترخان گذاشت، اما مردم به عادت آن را آسترخان می‌نامیدند (ЗАЙЦЕВ, 2006: 11-14).

۳- روایت (آسترخان): در برخی روایات عامیانه به وجود سه برادر به نام‌های سارای خان، آستر خان و قاسم خان اشاره شده است که نام آسترخان از نام آستر خان گرفته شده است. آدام اولتاریوس نیز روایت مشابهی ثبت کرده که نام آسترخان از آن جهت گرفته شده که شاهزاده‌ای که این شهر را ساخته و نخستین حاکم آن بوده، آسترخان نام داشته است (ЗАЙЦЕВ, 2006: 11-14).

۴- روایت (اژدرخان / اجدرخان): در برخی منابع شرقی به‌ویژه عثمانی، نام شهر به صورت (اژدرخان / اجدرخان) نیز آمده است. این نام با افسانه‌هایی در باره اژدها در این شهر مرتبط بوده است (ЗАЙЦЕВ, 2006: 121-122). اولیا چلبی نیز در سیاحتنامه خود، نام این شهر

¹. Иван Васильевич Равинский

را با عنوان اژدرخان و یکی از مقاصد یا مناطقی که از آن عبور کرده، ذکر می‌کند (Evliya Çelebi, 1313: cilt 7/886).

افزون بر این، در اسناد روسی قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی، صورت‌های نزدیک به تلفظ اصلی مانند "حاجی ترخان" و "شهر ترخان" به کار رفته است. منابع تأکید دارند که نخستین اطلاع از شهر در سده هفتم هجری قمری/ سیزدهم میلادی و با نام‌های "هشترخان" یا "حاجی ترخان" در میان کوچ‌نشینان تاتار رواج داشته است (Зайцев, 2006:232). به تدریج و با تسلط کامل روس‌ها بر منطقه، تلفظ روسی آستراخان رواج یافت و جا افتاد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۴: ۳۳۸/۱).

نام این شهر در منابع اسلامی و ایرانی با همین عنوان مرتبط است. بلاذری در سده سوم هجری قمری از مکانی با نام "نیزک ترخان" یاد می‌کند (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۴). در منابعی مانند ظفرنامه یزدی (یزدی، ۱۸۸۷: ۷۷۳/۱) و سفرنامه اولئاریوس (اولئاریوس، ۱۳۶۹: ۳۵۸/۱) نیز نام شهر به صورت "حاجی ترخان" ثبت شده است. حمدالله مستوفی در قرن هشتم هجری قمری نام آن را در زمره شهرهای مشهور دشت قپچاق، "آستراخان" ثبت کرده است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۸۶). منصوری نیز به نقل از زکی ولیدی طوغان، نام آستراخان را به ساکنان قدیمی‌اش آس‌ها نسبت می‌دهد (منصوری، ۱۳۸۷: ۲۷۹/۱). شکل "هشترخان" نیز در منابعی مانند سفرنامه شاردن دیده می‌شود که اشاره می‌کند این شهر در قلمرو تاتارهای کریمه بوده است (شاردن، ۱۳۳۵: ۴۷۲/۱). همچنین در دوره‌ای، حاکمان حاجی طرخان از طایفه منقت از طوایف ازبک بوده‌اند (روزبهان خنجی، ۱۳۵۵: ۴۱). دسیلوا فیگوئروا این منطقه را با عنوان "حاجی ترخان" واقع در نزدیکی رود ولگا می‌داند و اشاره می‌کند که اهالی مسکو و تاتارها آن را "اتل" می‌نامند (دسیلوا فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۲۰). پیترو دلاواله نیز در سفرنامه خود با عنوان "هشترخان" از آن یاد کرده (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۶۰) و برادران شرلی نیز آن را "حاجی ترخان" ثبت کرده‌اند (شرلی، ۱۳۵۷: ۱۰۳).

جغرافیای تاریخی آستراخان

در رابطه با جغرافیای تاریخی آستراخان نظرات متفاوتی ارائه شده است. برخی مانند کووالفسکی^۱ می‌نویسد که آستراخان در سده چهاردهم میلادی بنا شده و در آن عصر شهری بزرگ بوده است. این شهر در همان سده توسط تیمور ویران شد و پس از آن، شهر

^۱. М.Г.Сфаргалиев

جدید در محل دیگری بنا گردید که اکنون نیز همانجاست. در حال حاضر، اختلاف نظر بر سر این نکته وجود دارد که آیا این ویرانه‌ها همان آستراخانی است که تیمور در پایان سده چهاردهم میلادی آن را ویران کرده است یا اینکه بقایایی از خرابه‌های شهر اتیل (اتل) سرزمین خزر است. در این باره چند نظر مطرح شده است. یک نظر مبتنی بر این پندار است که مصب رود ولگا تغییر یافته و آب آن از طریق اتل به دریای خزر ریخته است. از این رو از بقایای شهر اتل اثری برجای نمانده و آستراخان نیز در عصر مغول بنا شده است. نظر دیگر حاکی از آن است که شهر آستراخان در همان مکان اتل بنا شده است (بارتولد، ۱۳۷۵: ۱۲۰-۱۱۹).

بر اساس دیدگاه سنتی و به‌ویژه منابع روسی، آستراخان در سده سیزدهم میلادی پدید آمده است. با این حال، در مورد تاریخ دقیق تر آن میان پژوهشگران اتفاق نظر وجود ندارد. به گفته صفارغالیف^۱، این شهر در دهه ۱۲۵۰م. و هم‌زمان با گرایش بخشی از بزرگان اردوی زرین به اسلام و اعطای امتیازات به روحانیون مسلمان بنیان نهاده شد. واسیلیف^۲ تاریخ دقیق‌تری - سال ۱۲۵۵م. - را ارائه داده و سارنق بیگ را بنیانگذار آن می‌داند. برخی نیز مدعی شده‌اند که در آن دوره نام شهر "آلان - تاراخان" (به معنای شهر باشکوه، پایتخت) بوده است (Зайцев, 2006: 10). این تاریخ‌گذاری را جومانف^۳ نیز تأیید می‌کند، حال آنکه منبعی قدیمی مانند تاریخ سین‌بی تاریخ قدیمی‌تری - سال ۱۲۳۰م. - را ذکر می‌نماید. در مقابل، برخی نویسندگان دیگر زمان تأسیس شهر را به دوره حکومت خان ازبک (۱۳۴۰-۱۳۱۲م.) و در واقع سده چهاردهم میلادی نسبت می‌دهند. شنی دشتاین^۴ و ایگوروف^۵ نیز زمان پیدایش آن را نیمه دوم سده سیزدهم میلادی می‌دانند. با این حال، به نظر ایگوروف تعیین زمان دقیق پیدایش شهر ممکن نیست و تنها می‌توان با اطمینان گفت که در سده سیزدهم میلادی از قبل وجود داشته است (Зайцев, 2006: 10).

در مورد مکان دقیق شهر اولیه نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. در دوران معاصر، این فرضیه مطرح شده که شهر حاجی ترخان نه تنها در ساحل راست، بلکه در ساحل چپ (شرقی) رود ولگا نیز گسترده بوده است. مدودف^۶ معتقد است که حاجی ترخان در فاصله‌ای حدود ۱۳ کیلومتری از شهر آستراخان کنونی قرار داشت و سپس توسط تاتارها به ساحل چپ ولگا منتقل شد (Зайцев, 2006: 8-9). برخی منابع تاریخی قدیمی‌تر، مانند

1. М.Г.Сфаргалиев

2. М.Н.Васильев

3. Р.Джуманов

4. Е.В.Шнайдер-Шнитцей

5. В.Л.Егоров

6. Медведев

نوشته‌های آمبروزیو کنتارینی و جوزافا باربارو (اواخر سده پانزدهم میلادی) صرفاً موقعیت کلی شهر را در کناره رود ولگا تأیید می‌کنند (باربارو و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۷۴-۱۷۳ و ۴۸) اولیا چلبی در قرن هفدهم میلادی این شهر را به عنوان شهری عظیم و بندری و در کنار رود اتل توصیف کرده است (Evliya Çelebi, 1313: 810/7). در منبعی دیگر، نوشته فرانچسکو تیپولو^۱ روایتی دیگر ارائه شده است: به گفته او، این منطقه ابتدا در دست کومان‌ها^۲ بود، حدود سال ۱۲۸۰م. توسط مغولان تصرف شد و پس از دوره‌ای از حکمرانی آنان، توسط توقتمش و سپس نوغایی‌ها اداره گردید تا سرانجام در سال ۱۵۵۶م. توسط ایوان مخوف تصرف شد. برخی تاریخ‌نگاران روس حتی بر این باورند که یک پادشاهی آستراخان حتی پیش از حمله باتو (سده سیزدهم میلادی) وجود داشته و پس از فتح منطقه، مغولان آن را به فرمانروایان نوغایی سپردند که به شیوه کوچ‌نشینی زندگی می‌کردند و شاهزادگان روس خراجگزار آنان بودند و این وضعیت تا آغاز حکومت ایوان سوم ادامه یافت (Зайцев, 2006: 9). پس از انحطاط اردوی زرین، شهر حاجی ترخان به پایتخت خانات حاجی ترخان تبدیل شد (تأسیس حدود ۸۷۱ق./ ۱۴۶۶م.) که توسط خاندانی از چنگیزیان اداره می‌گردید. این شهر در سال‌های ۸۰۱-۷۹۸ق./ ۱۳۹۹-۱۳۹۶م. به فرمان امیر تیمور گورکانی ویران شد، اما بار دیگر رونق خود را بازیافت. با این حال، به دلیل کشمکش‌های داخلی، تغییرات سریع حکمرانان از حدود ۹۱۰ق. به بعد و مداخلات خانات کریمه، حکومت محلی تضعیف شد. در نهایت، خان وقت آستراخان در مقابل این تهدیدات از تزار روسیه استمداد طلبید و این امر بهانه‌ای برای مداخله نظامی روسیه شد. در سال‌های ۹۶۲-۹۶۱ق./ ۱۵۵۶-۱۵۵۴م. نیروهای روسی خانات را فتح کردند. ابتدا حاکمی دست‌نشانده منصوب شد، اما پس از مدتی به اتهام همدستی با خان کریمه، وی را خلع و خانات را در سال ۱۵۵۶م. به طور کامل ضمیمه خاک روسیه کردند. پس از الحاق نهایی، آستراخان در سده یازدهم هجری/ هفدهم میلادی به یکی از استحکامات مهم نظامی- دریایی دولت روسیه تبدیل شد که نقش کلیدی در حفظ امنیت مصب رود ولگا و کنترل دسترسی به دریای خزر ایفاء می‌کرد (مصاحب، ۱۳۸۰: ۸۲۵/۱).

^۱. Франческо Типоло

^۲. نامی است که اروپایی‌ها به منطقه قیچاق می‌دهند.

بر طبق گزارش منابع روسی و ایرانی، مرزهای آستراخان را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد: مرز شرقی، رود بوزان و سپس ولگا به عنوان مرز طبیعی میان خانات آستراخان و اردوی نوغای عمل می‌کرد. مرز شمالی، در نزدیکی ولگاگرد- پروولوکا و نقطه تماس آستراخان با خانات قازان و قلمرو مسکو محسوب می‌شد. مرز جنوبی، دریای خزر و اراضی تا نزدیکی رود کومه و ترک را در برمی‌گرفت. مرز غربی، دن علیا و کرانه راست ولگا در همسایگی با چرکس‌ها و قلمرو کریمه بود (ЗАЙЦЕВ, 2006:122-124).

نقش آستراخان در مناسبات ایران و روسیه

سال ۹۵۹ق. / ۱۵۵۲م. سرآغاز روابط ایران و روسیه در دوره صفویه به‌شمار می‌آید. روس‌ها در دوره حکومت ایوان چهارم (مخوف)، قازان را تصرف کردند و به سلطنت خوانین آن خاتمه دادند و مدتی بعد حاجی‌ترخان (آستراخان) را نیز فتح نمودند (استریکلر، ۱۳۸۲: ۲۴؛ جمالزاده، ۱۳۷۲: ۱۰۸؛ عون‌اللهی، ۱۳۸۸: ۲۱). این اقدام دامنه تسلط روسیه را به سواحل شمالی دریای خزر و مصب رود ولگا رساند و اهمیت استراتژیک آستراخان در تجارت سده شانزدهم میلادی دوچندان شد، زیرا آستراخان در جاده‌ای قرار داشت که از دریای سفید تا خزر کشیده شده و اروپا را به آسیا پیوند می‌داد و خارج از دسترس ناوگان اسپانیا و پرتغال بود. در دوره شاه طهماسب اول، تلاش‌هایی برای برقراری روابط تجاری از مسیر ولگا- خزر صورت گرفت. آنتونی جنکینسون^۱، تاجر انگلیسی نماینده شرکت مسکوی در سال ۹۶۹ق. / ۱۵۶۲م. به ایران فرستاده شد، اما به دلیل عدم آشنایی با آداب ایرانی و نیز ملاحظات سیاسی شاه طهماسب مبنی بر حفظ منافع تجار ترک از راه حلب، این مذاکرات به نتیجه نرسید. در این زمان هدف صفویان از توسعه مسیر ولگا- خزر، کاهش وابستگی به مسیرهای تحت سلطه عثمانی و تغییر جهت تجارت از محور شرقی- غربی به شمالی- جنوبی بود (فریر، ۱۳۸۴: ۲۲۲؛ مهدوی، ۱۳۷۵: ۴۰-۳۹). به طوری که شاه طهماسب صراحتاً ابراز می‌داشت که می‌خواهد بر ونیزیان و ترکان برتری یابد و راه تجاری مدیترانه را تضعیف کند. بنا بر این، آستراخان این پایگاه جنوبی روسیه، منافع عثمانی را در مناطق قفقاز به مخاطره انداخت.

بین سال‌های ۱۵۸۰-۱۵۶۰م. شش سفر به ایران توسط کمپانی روسی انگلیسی‌ها صورت گرفت که تلاشی زودرس، اما پرمفعت برای تغییر جهت بخشی از تجارت ایران از محور شرقی- غربی به محور شمالی- جنوبی بود (فریر، ۱۳۸۴: ۲۲۳) و این سیاست در دوره

¹. Antony Jenkinson

شاه عباس اول با جدیت بیشتری پیگیری شد. وی در سال ۱۰۰۱ ق. / ۱۵۹۲ م. هیئتی تجاری به ریاست حاج خسرو به مسکو فرستاد تا با اخذ تسهیلاتی مانند معافیت گمرکی و درخواست کشتی‌های تجاری، بستر مبادلات را فراهم آورد (جمالزاده، ۱۳۷۲: ۱۳۳-۱۳۲). سپس طی نامه‌ای از میخائیل رومانف^۱ تزار روس خواست که مسیر تجاری شمال را باز نگه دارد و برای عملی کردن این طرح در نامه‌ای به حاکم هشترخان دستور داد که این مسیر را برای تردد بازرگانان ایران و اروپا مهیا کند (پورمحمدی املشی، ۱۳۸۴: ۶۱-۶۰). در ادامه همچنین طی نامه‌ای به پاپ روم بر ضرورت استفاده از مسیر شمالی (گیلان- دریای خزر- آستراخان- ولگا) و دور زدن قلمرو عثمانی تأکید کرد (ستوده، ۱۳۸۳: ۷۸-۷۷).

در واقع، سیاست شاه عباس در حوزه اقتصادی، ایجاد انحصار صفوی بر صادرات پرارزش ابریشم خام در سال ۹۹۸ ق. / ۱۶۱۹ م. و تلاش در پیدا کردن راه جدید آبی از طریق روسیه برای جایگزینی راه خشکی قدیمی عثمانی بود (فوران، ۱۳۷۷: ۶۸). یکی دیگر از علل اساسی علاقه شاه عباس به تجارت از مسیر شمالی ایران این بود که تقریباً کل محصول ابریشم ایران از ولایات شمالی کشور به دست می‌آمد. بنا بر این، وی می‌خواست بدین وسیله از صرف وقت بیشتر و مخصوصاً از هزینه حمل ابریشم تا اصفهان و یا جنوب کشور جلوگیری کند (پارسادوست، [بی‌تا]: ۱۳۴-۱۳۲).

هم‌زمان با حکومت شاه سلطان حسین صفوی (۱۷۲۲-۱۶۹۴ م.) در ایران، پطر کبیر بر تخت فرمانروایی روسیه تکیه زده بود. پطر کبیر که تجارت را تنها راه کسب ثروت و در نتیجه بنیان عظمت کشور می‌دانست، در پی آن بود تا با اتصال رودخانه‌های ولگا و دن، مسیری آبی میان دریای خزر و دریای سیاه ایجاد کند. او به خوبی آگاه بود که تجارت با آسیا بدون دسترسی آسان به دریای خزر دشوار خواهد بود و از همین‌رو دستور تهیه نقشه‌ای دقیق از این دریا را صادر نمود (هنوی، ۱۳۶۷: ۱۵۸).

موقعیت جغرافیایی شهر آستراخان نیز به گونه‌ای بود که نه تنها کانون حمل‌ونقل کالا و تردد بازرگانان به‌شمار می‌رفت، بلکه اغلب نمایندگان سیاسی و فرستادگان اروپایی عازم دربار ایران نیز ناگزیر از گذر و حتی اقامت موقت در این شهر بودند. رابرت شرلی^۲ در سفرنامه خود به این موضوع اشاره کرده و می‌نویسد: «پس از دو ماه کشتیرانی به مقصد رسیدیم و چون به حاجی‌ترخان وارد شدیم، حاکم شهر از آمدن ما آگاه گشته، فردی به نام سلطان را به همراه گروهی از قراولان به استقبال ما فرستاد تا پذیرایمان باشند و به قصر

^۱. Михаил Романов

^۲. Robert Shirley

حاجی‌ترخان رهنمون سازند. در آنجا دیدیم که سفیر ایران یک روز پیش از ما به شهر رسیده بود» (شرلی، ۱۳۵۷: ۱۰۳).

همچنین بر طبق گزارش منابع روسی پس از آنکه در سال ۱۵۵۶م. خانات آستراخان سقوط کرد، راه ولگا- خزر به شاهراه اصلی تجاری دولت روسیه تبدیل شد و این دولت امکان دادوستد آزاد با کشورها و سرزمین‌های مجاور دریای خزر را یافت. شریک تجاری اصلی در این مسیر که کاملاً قابل انتظار بود، ایران شد و بازرگانان ایرانی بلافاصله وارد تجارت با روسیه شدند. دولت روسیه در سده شانزدهم میلادی همه تلاش خود را به کار بست تا آستراخان به مرکزی بین‌المللی برای تجارت تبدیل شود. به حاکمان مناطق توصیه شده بود که تجارت خارجی در آستراخان را تشویق کنند و دولت روسیه خود در دهه‌های نخست، عملیات تجاری بین‌المللی را در آستراخان انجام می‌داد. علت اصلی این امر آن بود که بازرگانان روسی در ابتدا در تجارت خارجی آستراخان مشارکت نداشتند. در حالی که مقامات روسی می‌کوشیدند تا به نسبت زیاد، بخش عمده‌ای از تجارت بین‌المللی آستراخان در دست بازرگانان بومی روسی متمرکز شود. اما برای بازرگانان روسی در آستانه سده‌های شانزدهم میلادی سفر به شرق همچنان دور، غیرعادی و پرخطر به نظر می‌رسید. حتی پیش از آن نیز، تجارت خارجی برای آنان با مخاطرات فراوان، فشارها، درخواست‌های بی‌جای مأموران گمرکی و بردگی در کشورهای شرقی همراه بود. واضح است که این شرایط هیچ اشتیاقی در بازرگانان روسی ایجاد نمی‌کرد و چنین وضعیتی باعث شد که تجارت خارجی آستراخان در دست بازرگانان شرقی باقی بماند. بسیاری از آنان به طور دائم در این شهر تجارت می‌کردند و در آن ساکن بودند و با گذشت سال‌ها شمار بازرگان شرقی افزایش یافت (Пирова, 2025: 24).

موقعیت تجاری آستراخان در نظام تجاری منطقه خزر

موقعیت تجاری آستراخان در نظام تجاری منطقه خزر از قرن شانزدهم میلادی به‌عنوان کانون اصلی مبادلات بین ایران و روسیه و نقطه ترانزیتی حیاتی برای کالاهای شرق و غرب تثبیت شد. این شهر با گشودن راه تجاری مستقیم با ایران، جایگزین مسیر عثمانی شد که دیگر از چشم‌انداز مثبت تجاری برخوردار نبود (Chenciner, 1992: 123). مسیر گیلان- هسرخان- جنوب روسیه، به ویژه هنگامی که عثمانیان و صفویان در جنگ به سر می‌بردند، اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کرد. تجارت بین‌المللی که از این مسیر به عمل می‌آمد، وسیع و

بسیار متنوع بود. پارچه‌های زربفت، تافته، چرم و بالاتر از همه ابریشم، از طریق گیلان به مسکو و از آنجا به لهستان و کل اروپا صادر می‌شد (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۹۴).

در دهه‌های ۱۵۸۰-۱۵۷۰م. نخستین کاروانسراهای بازرگانی ایرانی در آستراخان شکل گرفت. دقیقاً در این دوره است که منابع از ظهور بازرگانان صفوی در شهر گزارش می‌دهند که ابریشم، سلاح، قالی، پارچه‌های گران‌قیمت و مصنوعات از ایران را می‌آوردند. همچنین در همین زمان بود که به بازرگانان ایرانی مکانی برای اسکان اختصاص داده شد و از این زمان تاریخ جامعه ایرانی شهر آستراخان آغاز می‌شود. بدیهی است که این جامعه در نتیجه چندین عامل پدید آمد. نخست: شکل‌گیری‌اش نتیجه استقرار تدریجی بازرگانان ایرانی در آستراخان به واسطه توسعه تجارت روسیه و ایران بود. دوم: تمایل دولت روسیه برای تبدیل آستراخان به مرکز تجارت بین‌المللی و سیاست حمایتی آن در قبال بازرگانان شرقی به این امر کمک کرد. سوم: ضرورت توسعه تعامل تجاری با اتباع روس بود و چهارم: ناکارآمدی ارتباطات حمل‌ونقلی و وابستگی به شرایط آب‌وهوایی که امکان گردش سریع کالا در داخل روسیه را در مدت کوتاهی غیرممکن می‌ساخت.

در سال ۱۶۲۵م. به دستور ویژه تزار میخائیل فئودورویچ^۱ برای اولین بار با هزینه دولتی، کاروانسراهای بازرگانی ایرانی و هندی ساخته شد که جایگزین ساختمان‌ها و دکان‌های چوبی فرسوده گردید. ظاهراً این ساختمان‌ها نیز مستحکم نبوده‌اند، زیرا در سال ۱۶۷۳م. این بناها تخریب و دوباره با هزینه خزانه دولتی، دکان‌های سنگی جدیدی ساخته شدند که شامل فضاهایی برای خرده‌فروشی، انبارها و همچنین اتاق‌های مجزا برای اقامت در زمستان بود. کاروانسرای بازرگانان ایرانی در واقع یک کاروانسرای شرقی با تمام ویژگی‌های ذاتی آن بود؛ حیاطی محصور بود که در آن بازرگانان ایرانی بر اساس سطوح صنفی فعالیت می‌کردند. آنها در این مکان پس از آمدن با کالاهای خود، امکان استراحت و فرصتی برای بررسی وضعیت پیش از شروع تجارت را به دست می‌آوردند. کاروانسرای ایرانی، جایی که بازرگانان ایرانی در آن توقف می‌کردند و زندگی می‌کردند، در منابع با دو نام ذکر شده است: ایرانی یا گیلانی و این امر بدین دلیل بود که کالای اصلی صادراتی ایران، ابریشم خام بود که از طریق دریای خزر و از استان گیلان (رشت) در سواحل جنوبی حمل می‌شد. بر این اساس، بازرگانانی که با کالای ابریشمی به آستراخان می‌آمدند، اغلب گیلانی نامیده می‌شدند (Пирова, 2025: 24-25).

¹. Mikhail Feodorovich

سیاست حمایت از بازرگانان خارجی مقیم توسط تزار آلکسی میخائیلوویچ^۱ نیز ادامه یافت. به عنوان مثال در ۲۰ مه ۱۶۴۷، او فرمانی خطاب به حاکم آستراخان صادر کرد که در آن تأکید شده بود به هر طریق ممکن از بازرگانان شرقی در شهر استقبال گرم به عمل آید، به آنان احترام گذارده شود و مراقبت شود که مکان‌ها و شرایط زندگی و تجارت آنان همیشه در وضعیت مطلوبی باشد. البته عامل مهم در توسعه بازرگانی ایرانی، توسعه روابط تجاری روسیه و ایران بود. از همین دوره، کالاهای ایران به‌ویژه ابریشم خام و سنگ‌های قیمتی، جایگاه ثابتی در ساختار واردات روسیه پیدا کردند، به‌طوری که تقاضا برای آنها در بازار داخلی روسیه روز به روز افزایش می‌یافت. مقامات روسی و ایرانی با حمایت متقابل از تجارت، با تمام قوا در پی گسترش این تجارت بودند و با ایجاد یک نظام ترجیحی، بستر قانونی لازم را برای تازه‌واردان فراهم می‌کردند. به تدریج فرآیند اسکان برخی از نمایندگان بازرگان ایرانی در آستراخان به‌طور دائمی آغاز شد. برخی از ایرانیان همانند نمایندگان سایر ملل شرقی در اینجا خانواده تشکیل می‌دادند، با زنان تاتار محلی آستراخان ازدواج می‌کردند و در محدوده قلمرو کاروانسراهای خود صاحب خانه‌های شخصی می‌شدند. خود آستراخان تا پایان قرن هفدهم میلادی به شهری تبدیل شده بود که در آن تعداد ساکنان - اتباع خارجی - در مقایسه با دیگر شهرهای روسیه بیشترین رقم بود. در این زمان، حتی در مسکو خارجی‌های کمتری نسبت به آستراخان زندگی می‌کردند و در دیگر نقطه مهم تجارت بین‌المللی روسیه (با اروپا) یعنی آرخانگلسک، بازرگانان خارجی اصلاً اقامت دائمی نداشتند. آنان تنها به هنگام گشایش بازار به آنجا می‌آمدند و بلافاصله پس از پایان آن برمی‌گشتند (Пирова, 2025: 25-26).

تصویب اقدامات قانونی که در چارچوب تشویق تجارت روسیه و ایران در داخل هر دو دولت و بین آنها انجام می‌گرفت نیز تأثیر مطلوبی بر بازرگانان ایرانی آستراخان داشت. به عنوان مثال، در سال ۱۶۶۴م. شاه عباس دوم فرمانی صادر کرد که بر اساس آن امتیازات استثنایی (مالیات‌گیری تسهیل‌شده و تضمین امنیت شخصی) به بازرگانان روسی در تجارتشان در ایران اعطاء شد. او از طرف روسیه خواستار اجازه تجارت ترانزیت ابریشم برای اتباع خود - ارمنی‌هایی که عضو کمپانی تجاری جلفا بودند - به صورت بلامانع شد. دولت روسیه موافقت کرد و حتی در ازای مبلغی ناچیز حراست از این بازرگانان را در قلمرو خود تضمین نمود. در سال ۱۶۶۷م. دولت روسیه قراردادی تجاری با "شرکت جلفا" منعقد کرد. شهر باستانی جلفا که در ساحل رود ارس بر سر راه تجاری کهن قرار داشت، توسط شاه

¹. Alexei Mikhailovich

عباس اول ویران شد. جلفای نو به فرمان شاه در حومه اصفهان پایتخت جدید ایران بنیان نهاده شد. در دوره مورد بررسی، شهر عمدتاً توسط ارمنیان مسکون بود، اما جزئی از ایران محسوب می‌شد و بر این اساس، اعضای شرکت می‌توانستند مسلمان نیز باشند؛ این مکان بزرگ‌ترین مرکز مبادله ابریشم بین شرق و غرب بود (Пирова, 2025: 27). چینسینر نیز به همین قرارداد اشاره می‌کند که میان ایران و روسیه معاهده‌ای به امضاء رسید که بر طبق آن به ارمنی‌های ایران امتیاز حمل کالاهایی چون پارچه، چرم و ابریشم از آسیا و اروپا از طریق آستراخان و آرخانگل داده شد (Chenciner, 1992: 126).

مرکز تجارت بین شرکت جلفا و روسیه، به طور کاملاً قابل انتظاری آستراخان شد و انعقاد قرارداد با این شرکت منجر به ورود قابل توجهی از بازرگانان ایرانی به آستراخان گردید. پس از فروش ابریشم، اعضای شرکت موظف بودند کالاهای روسی را با پول نقد طلا خریداری کنند تا بعداً در ایران به فروش برسانند. حتی در چنین شرایطی نیز بازرگانان ایرانی سودهای کلانی به دست می‌آوردند و طرف روسی نیز مالیات‌های قابل توجهی به خزانه وارد می‌کرد. به دلیل امر اخیر، دولت روسیه به شدت به توسعه تجارت روسیه و ایران و ترانزیت ایرانی از قلمرو خود علاقه‌مند بود و این هدف را از طریق ایجاد شرایط مساعد برای بازرگانان ایرانی محقق می‌ساخت. مسکو همه شرایط را فراهم می‌کرد تا تجارت بدون وقفه انجام شود و در واقع، از این زمان به بعد، کاروانسراهای ایرانی به مکان‌های دائمی سکونت تجار این ملیت‌ها در آستراخان تبدیل شدند (Пирова, 2025: 27).

به گواهی نویسندگان از سده هفدهم میلادی، کاروانسراهای بازرگانان خارجی شرقی به صورت مشارکتی و به هزینه خود بازرگانان نگهداری می‌شدند. مسئولیت تعمیر ساختمان‌ها، تأمین مایحتاج ساکنان و اقدامات بهداشتی بر دوش آنان نهاده شده بود. همچنین به منظور امنیت و کسب سود بیشتر از عملیات عمده‌فروشی، بازرگانان خرد در قالب شرکت‌هایی متحد می‌شدند و از میان خود یک نماینده انتخاب می‌کردند. در عین حال، عمده‌فروشی عمدتاً در دست ثروتمندترین بازرگانان متمرکز بود و حجم معاملات برخی به ۲۵ هزار روبل در سال می‌رسید. پیوندهای همشهری و منطقه‌ای قوی بود، افراد اهل یک ایالت (از جمله ایرانیان گیلانی، لنکرانی، باکوئی و اصفهانی) معمولاً فعالیت مشترکی انجام می‌دادند و در وطن از حمایت فردی بلندپایه برای انجام تجارت سودآور برخوردار بودند. در خاتمه باید خاطرنشان کرد که جامعه ایرانی ردی قابل توجه در تاریخ، زندگی فرهنگی و نام‌گذاری مکان‌های آستراخان برجای گذاشت. در سده بعدی - هجدهم میلادی - بازرگانان ایرانی به

تدریج جایگاه پیشرو در تجارت بین‌المللی آستراخان را به دست آوردند، صاحب کشتی‌های تجاری شدند که بخش عمده محموله‌ها را در دریای خزر جابه‌جا می‌کردند و کارخانه‌هایی برای تولید منسوجات ابریشمی و پنبه‌ای تأسیس کردند. همه اینها، بی‌تردید به توسعه اقتصادی منطقه پائین ولگا کمک کرد و اساس همزیستی مسالمت‌آمیز بین نمایندگان ملل و ادیان مختلف را در شهری چندملیتی مانند آستراخان تحکیم بخشید (Пирова, 2025: 27).

مسیرهای ترانزیت و کالاهای تجاری آستراخان

با توجه به جنگ‌های متوالی ایران و عثمانی و دشمنی دولت عثمانی با اروپائیان، همراه با تلاش شاهان صفوی برای ایجاد اتحاد با برخی کشورهای اروپایی، رشد مبادلات تجاری میان ایران و روسیه در میانه سده شانزدهم میلادی، ورود روسیه به تجارت با شرق و اروپا، نیاز روسیه به تأمین مواد خامی مانند ابریشم و پنبه برای صنایع خود و نیز علاقه دولت صفوی به گسترش روابط بازرگانی با روسیه و مساعد بودن مسیر ولگا-خزر، ارتباطات تجاری دول غربی از طریق خاک روسیه با ایران و به‌ویژه قفقاز گسترش یافت. در این شبکه، دو مسیر زمینی اصلی مورد استفاده قرار می‌گرفت: مسیر نخست از اصفهان به قزوین، سپس رشت، آستارا، لنکران، دربند و در نهایت هشترخان و مسیر دوم از تبریز به دشت مغان، شماخی، شابران، نیازآباد و هشترخان بود. کالاها از هشترخان که بندر اصلی دریای خزر بود، با کشتی و از طریق رود ولگا به سمت شهرهای داخلی روسیه مانند قازان و مسکو و حتی به صورت ترانزیت تا بندر آرخانگلسک و اروپای غربی فرستاده می‌شدند (عون‌اللهی، ۱۳۸۸: ۱۷۲؛ Пирова, 2025: 26).

باستانی پاریزی در کتاب خود یکی از مسیرهای تجاری فرعی را از راه سمرقند به خوارزم و از خوارزم به هشترخان و از آنجا به کنار شط دن و بنادر دریای آرف می‌داند (باستانی پاریزی، ۱۳۶۲: ۱۲۰-۱۱۹). تاورنیه نیز در سفرنامه خود مسیر رسیدن به هشترخان را چنین ذکر می‌کند: «از شماخی به دربند هفت روز راه است، از دربند تا تتارک هشت روز راه است و از تتارک تا حاجی ترخان قایق‌های کوچک می‌گیرند تا خود را به حاجی‌ترخان برسانند. در ورود به حاجی‌ترخان، بارهای مال‌التجاره‌ها را از کشتی پیاده می‌کنند. گمرکچی‌ها آمده بارها را مهر کرده به هر جا که تاجر میل داشته باشد حمل می‌نمایند و بعد از سه روز آمده بارها را باز و پنج درصد حقوق گمرکی را اخذ می‌کنند. از حاجی‌ترخان به مسکو از روی رود ولگا با کشتی‌های بزرگ می‌روند» (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۳۱۳-۳۱۱). یک مقام تجاری دیگر نیز تأکید می‌کند که: «از آستراخان تا ایران نزدیک‌تر است تا

از عثمانی و به جز از طریق آستراخان، هیچ راه کوتاهی از ایران برای بازرگانان نخواهد بود» (Тихомиров, 1962: 511-512; ЗАЙЦЕВ, 2006: 225). همچنین گزارش‌های تاریخی از رونق این مسیر حکایت دارند؛ به طوری که دلاواله گزارش می‌دهد: همواره تجارت در حوالی دریای خزر برقرار بود و کشتی‌های کوچک در آن دریا بین گیلان و استرabad و آستراخان در رفت‌وآمد بودند و به حمل بار و کالا می‌پرداختند (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۴۵). برای نمونه در سال ۱۵۶۸م. گفته شده است که آستراخان به سبب راه‌های فراوان، روزانه تا هزار سکه طلا درآمد داشته است (Бурдей, 1962, 12; ЗАЙЦЕВ, 2006, 225).

مجموع شواهد و گزارش‌ها، نقش محوری این شهر را به عنوان کانون تجاری، گمرکی و ترانزیتی در شبکه اقتصادی عصر صفوی و ارتباط آن با روسیه و اروپا به وضوح نشان می‌دهد. ایزاک ماسا^۱ تاجر هلندی و سیاحی که هشت سال از ۱۶۰۱ تا ۱۶۰۹م. در مسکو گذرانیده بود، چنین گزارش کرده است که آستراخان «همیشه شهر تجاری بزرگ و پرجمعیتی بود که انبوهی از بازرگانان از ایران، عربستان، هند، ارمنستان، شماخی و ترکیه برای تجارت در آن گرد هم می‌آمدند، از ارمنستان - مروارید، فیروزه و پوست‌های گران قیمت، از شماخی، ایران و ترکیه - پارچه، فرش‌های قیمتی، کالاهای گوناگون می‌آوردند» (Масса, 1937: 23; ЗАЙЦЕВ, 2006: 225).

بر طبق گزارش کاتف^۲، آستراخان در این زمان نقشی مهم در دادوستد با خاور داشت. در سده پانزدهم و شانزدهم میلادی بازرگانانی از ایران، آسیای میانه، ونیز و قفقاز به آستراخان می‌آمدند و آستراخان و راه بازرگانی ولگا اهمیت بسیار پیدا کرد (کاتف، ۱۳۵۵: ۹). با این حال، دیدگاه‌هایی مانند نظر آنتونی جنکینسن و ایتپرسیکوم، حجم مبادلات را در آن مقطع محدود و ناچیز توصیف کرده‌اند. بنا به گزارش ایتپرسیکوم: «شهر هشتراخان نه خیلی بزرگ است و نه خیلی پراهمیت» (تکتاندرفون دریابل، ۱۳۵۱: ۳۹). آنتونی جنکینسن (بازرگان انگلیسی) که در سال ۱۵۵۸م. از آستراخان تحت حاکمیت روسیه دیدن کرده بود، در ارزیابی خود از رونق تجاری این شهر دیدگاهی به شدت بدبینانه ارائه داده است و می‌گوید: «در این جا اگر چه دادوستد جریان دارد، اما حجم آن چنان ناچیز و محدود است که به زحمت ارزش ذکر کردن دارد. کالاهای عمده‌ای که روس‌ها به آستراخان می‌آورند، عبارتند از: چرم‌های رنگی، پوست، ظروف چوبی، افسار، چکمه، چاقو و امثال این اقلام کم‌ارزش، همچنین نان، گوشت و دیگر مایحتاج اولیه. تاتارها نیز کالاهای گوناگونی از جنس

^۱. Исаак Масса

^۲. Fedot Afanasyevich Kotov

پنبه، پارچه و ابریشم عرضه می‌کنند. از ایران به ویژه از شماخی، نخ‌های تابیده‌شده‌ای می‌آورند که در کلیساهای به کار می‌رود. در خود روسیه نیز البته ابریشم‌های رنگارنگ برای کمربند، کلاه‌های پوستی، کمان، شمشیر و نظایر آنها یافت می‌شود» (ЗАЙЦЕВ, 2006, 225).

دوره کشتیرانی در آستراخان به دلیل یخبندان زمستانی، از اوایل آوریل تا پایان نوامبر است و در این بازه معمولاً امکان دو سفر رفت و برگشت در مسیر ولگا- خزر وجود داشت (Пирова, 2025: 26). بر اساس آمار هرزیک تجارت میان ایران و روسیه که در فاصله سال‌های ۱۷۱۶-۱۵۶۶م. بیشتر از طریق آستراخان صورت می‌گرفت، به ترتیب زیر است.

- خرید کمپانی روس از ایران به سال ۱۵۶۶م. / ۱۰۰۰ کیلوگرم
- واردات کمپانی روس به ایران به سال ۱۵۸۰م. / ۵۰۰۰ کیلوگرم
- خرید یک بازرگان روس در گیلان به سال ۱۶۲۴م. / ۱۵۰۰۰ کیلوگرم
- صادرات ایران از طریق آستراخان به سال ۱۶۷۶م. / ۴۱۰۰۰ کیلوگرم
- صادرات ایران از طریق آستراخان به سال ۱۶۹۶م. / ۸۴۰۰۰ کیلوگرم
- صادرات ایران از طریق آستراخان به سال ۱۶۹۷-۱۶۹۶م. / ۱۰۰۰۰۰ کیلوگرم
- صادرات ایران از طریق روسیه به سال ۱۷۰۰م. / ۱۰۰۰۰۰ کیلوگرم
- صادرات ایران از طریق آستراخان به سال ۱۷۱۲م. / ۴۴۰۰۰ کیلوگرم
- صادرات ایران از طریق آستراخان به وسیله یک شرکت خانوادگی که میان آستراخان و آمستردام به کار تجارت اشتغال داشت، به سال ۱۷۱۶م. / ۴۰۰۰ کیلوگرم (herzig, 1992: 73).

همچنین بازرگانان روسی نیز دائماً در دربار اصفهان به سر می‌بردند و انبوه پارچه‌های پنبه‌ای و ابریشمی مانند اطلس، حریر، مخمل، زری و قالی از طریق هسترخان به روسیه صادر می‌کردند و مهم‌ترین کالاهای تجاری که در انحصار دولت روسیه قرار داشت، عبارت بودند از: دخانیات، مس، قلع و منسوجات پشمی اروپای غربی (لوفت، ۱۳۸۰: ۷۰-۶۹). در این زمان تجارت خارجی ایران با روسیه بیشتر توسط تجار ارمنی صورت می‌گرفت، به طوری که در سال ۱۶۷۹م. ارامنه سالانه حدود ۴۸۰۰۰ پوند (۷۶۲۵۰۰ کیلوگرم) ابریشم ایران را به روسیه صادر می‌کردند و روس‌ها نیز در سال ۱۶۸۹م. برای حمایت از بازرگانان ارمنی در تجارت ترانزیت از یک‌سو از حضور بازرگانان غربی در روسیه و از سوی دیگر از حضور بازرگانان هندی و بخارا در آستراخان جلوگیری می‌کردند (Matthee, 1994: 753).

نتیجه‌گیری

بررسی جایگاه راهبردی شهر آستراخان در دوره صفویه نشان می‌دهد که این شهر نقشی محوری در تحول مناسبات اقتصادی و سیاسی ایران و روسیه ایفاء کرده است. فتح آستراخان توسط روسیه در سال ۱۵۵۶م. و گشایش مسیر تجاری ولگا- خزر، نه تنها یک رویداد نظامی، بلکه تغییری ساختاری در جغرافیای تجاری منطقه خزر به شمار می‌رفت. این تحول از یک سو با هدف راهبردی صفویان برای کاهش وابستگی به مسیرهای تحت سلطه عثمانی و تغییر کانون مبادلات به محور شمال- جنوب هم‌سو بود و از سوی دیگر، خواست روسیه را برای دستیابی پایدار به بازارهای شرق و تثبیت حضور خود در سواحل خزر محقق ساخت.

موقعیت ممتاز جغرافیایی آستراخان در تقاطع رود ولگا و دریای خزر، این شهر را به پایگاهی حیاتی برای ترانزیت کالا میان ایران، روسیه و اروپا تبدیل کرد. همچنین آستراخان به عنوان پایانه شمالی راه‌های تجاری منشعب از مراکز مهم ایران مانند اصفهان، تبریز و گیلان عمل می‌کرد و کالاهای باارزشی چون ابریشم خام، پارچه‌های زربافت و فرش را از ایران دریافت و کالاهای روسی و اروپایی را به سوی جنوب هدایت می‌نمود. رونق این مبادلات تجاری به شکل‌گیری جامعه‌ای پایدار و چندفرهنگی متشکل از بازرگانان ایرانی، ارمنی، هندی و آسیای مرکزی در آستراخان انجامید. حمایت‌های فعال دو دولت از طریق اعطای امتیازات گمرکی، تضمین امنیت و به‌ویژه احداث کاروانسراهای اختصاصی، نه تنها زمینه اسکان دائم بازرگانان را فراهم آورد، بلکه به نهادینه‌شدن و سازمان‌یابی فعالیت‌های تجاری نیز کمک کرد.

کارکرد آستراخان فراتر از حوزه صرفاً اقتصادی بود و به عرصه دیپلماسی و روابط بین‌الملل نیز گسترش یافت. این شهر به کانون عبور و اقامت هیئت‌های سیاسی، فرستادگان اروپایی و نمایندگان تجاری تبدیل شد و خود به عاملی اثرگذار در تنش‌ها و همکاری‌های دو دولت بدل گشت. انعقاد قراردادهایی مهم نظیر قرارداد ۱۶۶۷م. با شرکت جلفای نو که با میانجی‌گری و حمایت دولت روسیه صورت گرفت، گواه آشکاری از این هم‌گرایی منافع و وابستگی مستقیم رونق تجاری شهر به ثبات سیاسی روابط ایران و روسیه است. فرجام سخن اینکه آستراخان در دوره صفوی را می‌توان نمونه موفق‌تری از یک «شهر- بندر مرزی» در نظام تجاری بین‌امپراتوری‌ها دانست که موفقیت آن در گرو تعامل سه‌گانه عوامل جغرافیایی (موقعیت ترانزیتی)، سیاسی (اراده و حمایت دو دولت) و اجتماعی- اقتصادی (شکل‌گیری جامعه تجاری چندفرهنگی و نهادهای پشتیبان) بود.

منابع و مأخذ

فارسی:

- ابراهیمی، الهه و عبدالله همتی، «مراکز تجاری جنوب و غرب دریای خزر از دوره ایلخانی تا عصر صفوی»، پژوهش در تاریخ، ۱۳۹۸، سال نهم، شماره ۲۴-۲۳، صص. ۳۶-۶۰.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶)، *سفرنامه ابن بطوطه*، جلد اول، ترجمه: محمدعلی موحد، تهران: سپهر نقش.
- ابن فضلان، احمد (۱۳۵۵)، *سفرنامه ابن فضلان*، ترجمه: ابوالفضل طباطبائی، [بی جا]: شرق.
- استریکلر، جیمز ای (۱۳۸۲)، *روسیه تزاری*، ترجمه: مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
- اولئاریوس، آدام (۱۳۶۹)، *سفرنامه آدام اولئاریوس*، جلد اول، ترجمه: مهندس کردیچه، [بی جا]: کتاب برای همه.
- تکتاندرافون دریابل، گئورگ (۱۳۵۱)، *ایترپرسیکوم (گزارش سفارتی به دربار شاه عباس اول)*، ترجمه: محمود تفضلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیر (۱۳۷۵)، *جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام*، ترجمه: لیلیا ربن شه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باربارو، جوزاف و دیگران (۱۳۸۱)، *سفرنامه های ونیزیان در ایران*، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۲)، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران: صفی علیشاه.
- بلادری، احمد (۱۳۶۷)، *فتوح البلدان*، ترجمه: محمد توکل، تهران: نقره.
- پارسادوست، منوچهر [بی تا]، *روابط دیپلماسی شاه عباس اول*، [بی جا]: [بی نا].
- پورمحمدی املشی، نصرالله، «تأملی در کتاب اسناد پادریان کرملی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴، شماره ۹۱-۹۰، صص. ۵۷-۶۱.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۹)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه: ابوتراب نوری، [بی جا]: انتشارات سنائی.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۷۲)، *تاریخ روابط روس و ایران*، تهران: انتشارات ادبی و تاریخی.
- دسیلوا فیگوئروا، دن گارسیا (۱۳۶۳)، *سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا*، ترجمه: غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- دلاواله، پیتر (۱۳۷۰)، *سفرنامه پیتر دلاواله*، ترجمه: شجاع الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رنجبر، محمدعلی و دیگران، «روابط تجاری ایران و روسیه در دوره دوم حکومت صفویه»، *تاریخ روابط خارجی*، ۱۳۹۱، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص. ۵۷-۷۸.
- روزبها خنجی، فضل الله (۱۳۵۵)، *مهمان نامه بخارا، به اهتمام: منوچهر ستوده*، تهران: نشر کتاب.
- ستوده، منوچهر (۱۳۸۳)، *اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس*، تهران: میراث مکتوب.
- سیوری، راجر (۱۳۷۲)، *ایران عصر صفوی*، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۳۵)، *سیاحتنامه شاردن*، جلد اول، ترجمه: محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- شرلی، آنتونی و رابرت (۱۳۵۷)، *سفرنامه برادران شرلی*، ترجمه: آوانس، تهران: منوچهری.
- شورمیچ، محمد، «نقش گیلان در روابط خارجی ایران و روسیه در نیمه نخست حکومت صفویه»، *تاریخ روابط خارجی*، ۱۳۹۷، دوره ۱۹، شماره ۷۵، صص. ۴۵-۶۳.
- صفت گل، منصور و سید مهدی حسینی تقی آباد، «از تلاش برای ائتلاف تا تیرگی مناسبات: تحول روابط ایران و روسیه در سده هفدهم»، *مطالعات اوراسیای مرکزی، بهار و تابستان ۱۳۹۹*، دوره ۱۳، شماره ۱، صص. ۹۱-۱۱۶.

عون‌اللهی، سید آقا (۱۳۸۸)، *تاریخ پانصد ساله تبریز*، ترجمه: پرویز زارع شاهمرسی، تهران: امیرکبیر.

فریر، رانلند و دیگران (۱۳۸۴)، *تاریخ ایران دوره صفویان از مجموعه تاریخ کمبریج*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: جامی.

فوران، جان (۱۳۷۷)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه: احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

کاتف، فدت آفاناس یویچ (۱۳۵۵)، *سفرنامه فدت آفاناس یویچ کاتف*، ترجمه: محمدصادق همایون‌فرد، تهران: کتابخانه ملی ایران.

کریمی، علیرضا، «روابط ایران و روسیه در دوره صفویه طی سال‌های ۱۰۸۰-۱۱۰۰ ق.»، *تاریخ روابط خارجی*، ۱۳۹۳، سال ۱۵، شماره ۶۰، صص. ۳۵-۲۵.

لوفت، پاول (۱۳۸۰)، *ایران در عهد شاه عباس دوم*، ترجمه: کیکلووس جهاننداری، تهران: وزارت امور خارجه.

مرشدلو، جواد، «مناسبات تجاری ایران و شمال قفقاز در دوره صفویان»، *تاریخ روابط خارجی*، ۱۳۹۹، دوره ۲۲، شماره ۸۵، صص. ۱۴۴-۱۲۵.

مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲)، *تاریخ گزیده*، به اهتمام: عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.

مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰)، *دایره‌المعارف فارسی*، جلد اول، تهران: امیرکبیر.

منصوری، فیروز (۱۳۸۷)، *مطالعاتی در باره تاریخ، زبان و فرهنگ آذربایجان*، جلد اول، تهران: هزار کرمان.

موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۷۴)، *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، جلد اول، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۵)، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم*، تهران: امیرکبیر.

هنوی، جونس (۱۳۶۷)، *هجوم افغان‌ها و زوال دولت صفوی*، ترجمه: اسماعیل دولتشاهی، تهران: یزدان.

یزدی، شرف‌الدین علی (۱۸۸۷)، *ظفرنامه*، جلد اول، به تصحیح: مولوی محمد الهداد، کلکته: پیتست مشن پریس.

غیر فارسی:

- Бурдей, Г.Д. (1962), *Русско-турецкая война 1569 года*, Саратов: Издательство Саратовского университета.
- ЗАЙЦЕВ, И.В. , (2006) *АСТРАХАНСКОЕ ХАНСТВО*, Москва: Издательская фирма «Восточная литература» РАН.
- Масса, Исаак (1937), *Краткое известие о Московии в начале XVII в* , Москва: Государственное социально-экономическое издательство.
- Пирова, Р.Н. (2025), «Персидская община Астрахани в XVII в. » , Вестник Владикавказского научного центра РАН, Т. 25. № 2. С. 24–28.
- Тихомиров , Михаил Николаевич. (1962), *Россия в XVI столетии*, Москва: Издательство Академии наук СССР.
- Chenciner,R and M.MagomedKhanov (1992), «Persian exports to Russia from the sixteenth to the nineteenth century», *Iran*, no.30, pp. 123-130.
- Evliya Çelebi (1314), *Evliya Çelebi Seyahatnamesi*, Cilt 7, Tabî Ahmed Cevdet, İstanbul: Matbaa-i İkdâm.
- Herzig, E. (1992), "The volume of Iranian raw silk exports in the Safavid periods". *Iranian studies*, no.24, pp. 61-79.
- Matthee, Rudi. (1994), «Anti-Ottoman politics and Transit Rights :the Seventeen century Trade Silk between safavid Iran and Muscovy», *cahiers Du Monde Russe*, no.35, pp 739-761.

